

# کار مدرسه چیست؟

## رهنمودهایی برای تحول بنیادین

به جای  
یادداشت  
سر دبیر

دکتر فرخ لقار نیس دانا  
متخصص تعلیم و تربیت

سخنم را با یک سؤال آغاز می‌کنم؛ در این یادداشت مخاطب من معلمان و مدیران ارجمند مدارس هستند: کار مدرسه چیست؟ پاسخ صریح این است: آماده‌سازی و توانمندسازی نسل جامعه فردا.

آماده‌سازی در چه زمینه‌هایی و توانمندسازی در چه مقوله یا مقوله‌هایی؟ آیا کار مدرسه فقط شامل آموزش مفاهیم، حقایق، اصول، مقررات و دانش‌های موردنظر در برنامه‌های درسی است؟ یا این‌ها همه پیش‌زمینه‌های رشد شخصیت، کسب منش و نگرش نیکو برای زندگی سالم، کارآمد و تأثیرگذار است؟ منظور از توانمندی فقط کسب دانش لازم و پایه نیست، بلکه توانمندی برای رشد تفکر خلاق، نقاد، سازنده و اثرگذار و نافع به حال خود و جامعه بیشتر موردنظر است. مدرسه جایی برای آماده‌سازی و توانمندسازی در این زمینه‌هاست. مدیران و معلمان مدارس که مسئولانه و متعهدانه حمل این بارگران را بر دوش خود پذیرفته‌اند، به این نکته اساسی کاملاً واقف‌اند که «اصل» مهم در نظام آموزش و پرورش، «تربیت» یا «پرورش» است و «آموزش» تنها وسیله و محملی برای تحقق اهداف و چشم‌اندازهای نظام تربیتی و پرورشی است که در قالب برنامه‌های آموزشی و درسی ارائه می‌شوند.

برنامه‌های آموزشی و درسی موجه چگونه برنامه‌های هستند؟ آن‌هایی که بازتابی از ارزش‌های موردنظر افراد جامعه‌اند و تجربیات یادگیری مستتر در آن‌ها همه مصداق‌هایی از تمرین، کار و فعالیت اجتماعی در آینده‌اند.

برنامه‌های درسی موجه، بازتابی از باورها و رویکردهای فلسفی برنامه‌ریزان آموزشی و درسی مبتنی بر مفاد اسناد بالادستی‌اند. به علاوه، مفاهیم لازم متناسب با یادگیری مخاطب آموزشی را شامل می‌شوند و بر پیشینه‌های فرهنگی اجتماعی مرتبط با هر موضوع یادگیری استوارند. معلمی هم فن است و هم هنر. به عبارت دیگر، هر فرد که وظیفه و مسئولیت معلمی و رهبری آموزشی را برعهده می‌گیرد، باید با عشق، با ویژگی‌های خطیر معلمی که شامل تلاش‌های لازم و رنج‌های کسب دانش و بینش لازم در دو زمینه «فن» و «هنر» معلمی است، آشنا شود. پر واضح است که عاشق نه تنها از مخاطرات ترس و واهمه‌ای ندارد، بلکه با عزمی جزم، اعتقادی راسخ به موفقیت و با روحیه‌ای شاد و ارضاکنده برای رسیدن به هدف، صبورانه و صادقانه گام برمی‌دارد. دانش یا محتوای آموزش شامل همه آن بایسته‌هایی است که به‌کار یادگیری می‌آید. مهارت‌ها شامل همه توانش‌های کاری و به‌عمل درآوردن مقصود به منظور است. این‌که

آن دانش‌ها و مهارت‌ها چگونه باید یاد داده شوند کار معلم است و این‌که چگونه باید یاد گرفته شوند کار دانش‌آموز است. اما همین یادگیری توسط دانش‌آموز نیز بدون رهبری معلم به درستی صورت نخواهد گرفت. نکته مهم و قابل توجه این است که موفقیت همه این تلاش‌ها و کوشش‌ها در گرو وجود شرایط لازم مهیا در صحنه پذیرا، مشوق و برانگیزاننده محیط نشاط‌آور مدرسه برای کسب تجربه‌های نیکوست.

مجموعه عوامل سازمان مدرسه گستره‌ای فراخ و کارآمد برای تجربه‌اندوزی معلم و شاگرد را فراهم می‌کند. فرصت‌های طلایی برای اعمال جرئت، شهامت خلق محیط‌های سازا و تولیدگر را به وجود می‌آورد و این همان است که گفته شده «مدارس موفق و کارآمد چیزی بیشتر از آنچه را رسماً باید آموزش دهند مدنظر دارند و برای آموزش آن برنامه‌ریزی می‌کنند. آن‌ها به واقع فرصت‌های کسب تجربه زندگی سالم را هم فراهم می‌کنند» (جکسون، ۱۹۶۸). مسلم است که سکان‌کشی رهبری آموزشی مدرسه در دست مدیر است. به همین دلیل است که مدیران عاشق کار معلمی می‌آموزند که رهبری آموزشی فرایندی مستمر از رشد و یادگیری است و هنگامی می‌توانند به بهترین وجه ممکن از عهده مسئولیت‌ها و تعهدات پذیرفته شده برآیند که سبک کاری خود را بشناسند و متناسب با شرایط و امکانات محیطی برای تغییر آن انعطاف داشته باشند و همچنین باید سبک کاری افراد دیگر مثل معلمان و کارکنان مدرسه را بشناسند تا بتوانند هماهنگی‌های لازم را به وجود آورند و نیز باید سبک یادگیری دانش‌آموزان را بشناسند تا بتوانند برای فعالیت‌ها و تجربه‌های یادگیری مناسب و آموزنده برنامه‌ریزی کنند. معلمان و مدیران مدارس باید:

- چالش پذیر باشند یعنی به ایجاد تغییر در وضعیت موجود و رشد و پیشرفت در جهت مطلوب تمایل داشته باشند؛
- از تلاش دست برندارند، با مخاطرات با روی خوش مواجه شوند و حتماً شکست در انجام بعضی اقدامات را بپذیرند و آن را تحمل کنند و هر شکست ناشی از اتخاذ روشی نادرست را شروع برنامه‌ریزی برای اتخاذ روشی درست تلقی کنند؛
- الهام‌بخش و امیدبخش باشند؛ احساس یأس و دل‌سردی از یادگیری ایجاد نکنند، تلاش‌های سازنده را ارج بنهند، نوآوری‌ها و ابتکارات را ترغیب کنند و پرورش تفکر را سرلوحه فعالیت‌های یاددهی قرار دهند.
- خود، الگوی خوبی از گفتار و رفتار باشند و صفات نیکوی انسانی را با به نمایش گذاشتن اعمال خود، به صورت طبیعی، به دانش‌آموزان بنمایانند.

#### پی‌نوشت

1. Jacson, philip, 1968, Life in the classroom. Sage pub.u.k.